

اکبرنامه، نخستین تاریخ رسمی و با ارزش دوره تیموریان هند به‌ویژه دوره فرمانروایی اکبر شاه (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق/ ۱۶۰۵-۱۵۵۵م).

مؤلف این اثر برجسته ابوالفضل علامی (۹۵۸-۱۰۱۱ق) صاحب منصب و مورخ برجسته دربار اکبر است. به‌گفته مؤلف، وی مدت‌های مدید بود که اندیشه نگارش سرگذشت اکبر و نیاکان او را در سر داشت (ابوالفضل، ۸۱/۱) تا اینکه اکبر در سال نوزدهم الهی (۹۸۲ق) به وی دستور داد تا تاریخ تیموریان شبه‌قاره، شرح حال او و فتوحاتش را به‌رشته تحریر در آورد (همو، ۹/۱).

اکبر نامه از جهات مختلف دارای اهمیت بسیار است. این کتاب به‌عنوان مهم‌ترین و معتبرترین منبع تاریخی برای دوره حکمرانی اکبر و اندیشه‌های صلح طلبانه او که در ابداع دین الهی تجلی یافت (نک: اکبرشاه، ه د) مورد استفاده محققان این دوره از تاریخ شبه‌قاره است، ضمن آنکه برای مطالعه در تاریخ روابط سیاسی تیموریان شبه‌قاره و صفویان در ایران از شاه اسماعیل اول (حک: ۹۰۵-۹۳۰ق) تا سال هجدهم از پادشاهی شاه عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸ق)، حائز اهمیت است. اهمیت دیگر اکبرنامه در دیدگاه خاص و شناخت و اطلاعات دقیق ابوالفضل علامی از مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دوره اوست، ضمن آنکه به‌عنوان یکی از منابع جغرافیای تاریخی نیز اهمیت دارد، چرا که بر حسب ضرورت و موضوع، اطلاعات مفیدی در مورد نواحی مورد نظر در اختیار خواننده می‌گذارد که از آن میان می‌توان به توضیحات وی در مورد فرغانه اشاره کرد (نک: همو، ۸۵/۱). نکته دیگر در اهمیت اکبرنامه، ارزش ادبی آن و جایگاه ویژه‌اش در زبان و ادبیات فارسی است که به‌دلیل ویژگی خاص سبک نگارش ابوالفضل می‌باشد.

تألیف اکبرنامه ۲۸ سال به‌طول انجامید و حاصل آن تدوین سه دفتر (مجلد) بود. دو مجلد نخست از ۹۸۲ق تا ۱۰۰۴ق نگاشته شد و مجلد سوم در ۱۰۱۰ق پایان یافت. گروهی از پژوهشگران ایرانی و اروپایی به اشتباه اثر دیگر ابوالفضل موسوم به آیین‌اکبری را که دایرةالمعارف گونه‌ای در علوم مختلف اجتماعی، ادبی، تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی

ساکنان شبه‌قاره است، جلد چهارم اکبرنامه دانسته‌اند، در صورتی که آیین‌اکبری ضمن متفاوت بودن در موضوع و محتوا، چند سال پیش از اکبرنامه، یعنی در ۱۰۰۶ق تألیف شده است (مجتبائی، ۷۲۱؛ ایتون، ۱/۷۱۴؛ آفتاب اصغر، ۱۷۹).

ابوالفضل برای نگارش تاریخ خود از منابع مختلفی استفاده کرد که به‌جز کتابهای تاریخی، می‌توان از آنها به‌عنوان مشاهدات و شنیده‌های او، اسناد و مدارک یاد کرد. او خود به جست‌وجوی برای جمع‌آوری اطلاعات چه از طریق مدارک و چه از طریق پرسش و تحقیق از پیران و بزرگان اشاره دارد (ابوالفضل، ۹/۱). ابوالفضل به‌عنوان یکی از نزدیکان اکبر و صاحب منصبی با نفوذ به‌دفا تر ثبت و اسناد ولایات مختلف دسترسی داشته است و به‌همین دلیل او ضمن به‌دست آوردن دفتر واقعات که وقایع از سال نوزدهم الهی (۹۸۲ق) در آن ثبت شده بود، اسناد و فرمانهایی را که صاحب‌منصبان به نواحی مختلف فرستاده بودند نیز به‌دست آورد و به‌گفته وی این همه سرمایه «شگرفنامه» او شد (همو، ۱۰/۱)، ضمن آنکه به‌دستور اکبر، گلبند بیگم و بایزید بیات نیز خاطرات خود از بابر و همایون را که به همایون‌نامه یا تذکره همایون و اکبر شهرت دارد، در اختیار او گذاشتند. ابوالفضل همچنین از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی برای بخش مربوط به تیموریان ایران، ظفرنامه شامی، روضةالصفای میرخواند، حبیب‌السير خواندمیر، زیده‌التواریخ حافظ ابرو، مطلع‌السعدین عبدالرزاق سمرقندی و تاریخ رشدی میرزا حیدرخان دوغلات و منابع دیگر استفاده کرد (آفتاب اصغر، ۱۷۷-۱۷۸؛ طباطبائی، پنجاه). در پایان نیز، چون گاه تناقضی بین وقایع مشاهده می‌شد، ابوالفضل تمام آنچه را که فراهم آورد بود، در حضور اکبر نقل می‌کرد تا اکبر با تکیه بر حافظه و خاطرات خود آنها را تصحیح کند (ابوالفضل، همان‌جا).

ابوالفضل برآن بود تا برای هر سی سال حوادث پادشاهی اکبر دفتری جداگانه تدوین کند (همو، ۳/۳). دفتر اول پس از مقدمه که به مدح و ستایش مبالغه آمیز اکبر اختصاص یافته است، شامل فهرستی از ۵۲ تن از شخصیت‌های تاریخی است که از حضرت آدم (ع) شروع می‌شود و تاریخ تیموریان را تا ترغای پدر تیمور و کشورگشایی‌های تیمور تا عمر شیخ میرزا پدر بابر و

بابر مؤسس تیموریان شبه‌قاره ادامه می‌یابد. او سپس حوادث روزگار همایون پدر اکبر را تا پیش از جلوس اکبر بر تخت سلطنت آورده است. دفتر دوم که مهم‌ترین بخش *اکبرنامه* است مشتمل بر جلوس اکبر (۹۶۳ق) تا اواسط سال هفدهم الهی (۹۸۰ق) است که از زمان تولد اکبر تا این سال، سی سال نخست محسوب می‌شود. ابوالفضل در پایان این دفتر خاتمه‌ای نگاشته که در آن شرح احوال خود را نیز آورده است. دفتر سوم از اواسط سال هفدهم الهی تا سال چهل و هفتم الهی (۱۰۱۰ق) است. مطالب این دو دفتر اخیر که مهم‌ترین و مفصل‌ترین بخشهای *اکبرنامه* هستند، سال‌به‌سال و به ترتیب وقوع حوادث نگاشته شده‌اند. از بخشهای مهم این دو دفتر، روابط سیاسی اکبر با همسایگانش اُزبکها و با ایران صفوی است که به‌عنوان نمونه می‌توان به‌نام‌های مهم اکبر به شاه‌عباس اول صفوی در ۱۰۰۳ق (نک: ابوالفضل، ۵۰۱-۴۹۶/۳، ۶۶۱-۶۵۶) یا نامه او به عبدالله‌خان اُزبک که حاکی از تصمیم اکبر در بیرون راندن پرتغالیها از آبهای هند (همو، ۵۰۱-۴۹۶/۳) و یا نامه دیگرش به همین شخص در ارتباط با دربار صفوی و سیاست اکبر در مورد قندهار (همو، ۷۰۵/۳) اشاره کرد. در پایان دفتر سوم، ابوالفضل خاتمه‌ای کوتاه نوشت و در آن آرزو کرد که سومین سده واقعات دوران اکبر را تألیف کند. اما با کشته شدن او در ۱۰۱۱ق، این آرزو تحقق نیافت تا اینکه در زمان حکمرانی شاهجهان (حک: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ق)، عنایت‌الله کنبو مؤلف تاریخ *دلگشا* مأمور شد تا *اکبرنامه* را به اتمام برساند (عبدالرحیم، خاتمه *اکبرنامه*، ۳-۲/۳؛ آفتاب اصغر، ۱۸۶-۱۸۷). عنایت‌الله وقایع ۴ سال اخیر سلطنت اکبر را تا سال پنجاه الهی (۱۰۱۴ق) تکمیل کرد. گاه برای تکمیل‌کننده این بخش نام عنایت‌الله یا محب‌علی‌خان و گاه محمد صالح آمده است که با توجه به این امر احتمالاً باید بیش از یک نفر این کار را انجام داده باشد (نک: استوری، 1/548 (1)؛ بلوخرمان، 1/1iii؛ بوریح، 1205-1204). ریو (3/1051) در فهرست خود *تکلمه اکبرنامه* را از عبدالصمد فرزند افضل محمد خواهر زاده ابوالفضل و گردآورنده منشآت او، و در جایی دیگر (3/929) آن را از عنایت‌الله محب‌علی دانسته است. اگر چه عنایت‌الله سعی بسیار نمود تا سبک‌نگارش اکبر را رعایت کند اما با این همه تفاوت بارزی

میان انشای این دو مؤلف به چشم می‌خورد (طباطبایی، پنجاه و سه). درباره سبک نگارش ابوالفضل، اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. گروهی سبک او را مصنوع، مبهم و مبالغه‌آمیز می‌دانند در صورتی که گروهی دیگر که به زبان و ادبیات فارسی اشراف بیشتری دارند، سبک جدید او را ستایش کرده و آنرا در زمره بهترین نمونه‌های انشای فارسی دانسته‌اند (امین احمد رازی، ۳۷۳/۱-۳۷۴؛ شاه‌نوازخان، ۶۲۲/۲؛ بلوخرمان، 1/i) تا حدی که از ابوالفضل به‌عنوان «خاتم خداوندان نثر فارسی» در شبه‌قاره یاد کرده‌اند (آفتاب اصغر، ۱۸۰).

بحث و اختلاف درباره سبک خاص ابوالفضل در زمان حیات وی نیز مطرح بود، چرا که وی در پاسخ به این ایراد، چنین استدلال کرد که وی *اکبرنامه* را برای عامه مردم ننوخته بلکه هدف وی از تألیف آن، فراهم آوردن تاریخی برای اکبر بوده است (ابوالفضل، ۳۸۲/۲). در نتیجه‌گیری کلی درباره سبک ابوالفضل می‌توان آن را آمیخته‌ای از سبک ساده، فنی و مصنوع زبان فارسی دانست که تمامی سعی مؤلف، به‌کار بردن واژه‌های فارسی به‌جای واژه‌های عربی و دوری جستن از تکلفات منشیانه رایج بوده است (امین احمد رازی، ۳۷۳/۱-۳۷۴؛ آفتاب اصغر، ۱۸۲).

پس از ابوالفضل که به‌عنوان یکی از پیشگامان نهضت سرهنویسی فارسی شناخته شده است، بسیاری از منشیان دربار گورکانی بر آن شدند تا از سبک وی پیروی کنند، اما به‌سبب عدم توانایی در این امر پیشرفت چندانی نکردند. نثر ابوالفضل در مورخان پس از او نیز تأثیر مشهودی داشت و نویسندگانی چون عبدالحمید لاهوری مؤلف *شاهجهان‌نامه* (پادشاه‌نامه)، محمد کاظم مؤلف *عالمگیر نامه* و دیگران کوشش بسیاری کردند تا سبک او را در تاریخ‌نویسی خود به‌کار برند (بلوخرمان، 1/li-iii؛ آفتاب اصغر، ۱۸۳-۱۸۵؛ صفا، ۵(۳)/۱۷۰۱).

اکبرنامه دارای نسخ خطی متعددی است و از تکلمه آن نیز نسخه‌هایی در دست است (منزوی، ۱۱۳۲-۱۱۳۳؛ استوری، 548-543(1)؛ مارشال، 203). *اکبرنامه* برای نخستین بار به‌دست‌ور مهاراجه پتیاله در نولکشور لکهنو در ۱۸۶۷م چاپ سنگی شد و پس از آن نیز چند بار دیگر به‌چاپ رسید (نک:

استوری، 1(1)547)، اما کامل‌ترین چاپ فارسی آن در سه جلد به کوشش مولوی آغا احمد علی و عبدالرحیم از روی ده نسخه خطی متفاوت در جلد اول (عبدالرحیم، پیشگفتار ج ۱/۳-۴) و یازده نسخه در جلد دوم و سوم (همو، ۲/۲) در کلکته از ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۷ م به چاپ رسید. در این چاپ خاتمه ابوالفضل بر دفتر سوم پس از تکلمه عنایت‌الله آمده است.

اکبرنامه چندین بار توسط خاورشناسانی چون پرایس^(۱)، الیوت، و بلوخممان به انگلیسی ترجمه شده است. اما کامل‌ترین ترجمه آن توسط بوریج با حواشی سودمند او در سه جلد در کلکته از ۱۸۹۷ تا ۱۹۲۱ م چاپ شد (استوری، 1(1)547-549؛ مارشال، 32-33؛ آفتاب اصغر، ۱۸۷). گزیده و خلاصه‌هایی نیز از اکبرنامه شده است که شاید بتوان قدیمی‌ترین گزیده آن را از جهانگیر قلی خان که هم عصر ابوالفضل بوده است، دانست. اما این گزیده فقط شامل ۱۴ سال آغاز پادشاهی اکبر است (منزوی، ۱۱۳۴/۲).

منابع: آفتاب اصغر، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور ۱۳۶۴ش؛ ابوالفضل علامی، اکبرنامه، به کوشش احمد علی و عبدالرحیم، کلکته ۱۸۷۷ م، ج ۱، ۱۸۷۹ م، ج ۲، ۱۸۸۶ م، ج ۳؛ امین احمد رازی، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، تهران ۱۳۴۰ش؛ شاه‌نوازخان، صمصام‌الدوله، مآثر الامرا، به کوشش عبدالرحیم اشرف علی، کلکته ۱۸۹۰ م؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران ۱۳۷۰ش؛ طباطبائی مجد، غلامرضا، مقدمه اکبر نامه، تهران ۱۳۷۲ش؛ عبدالرحیم، پیشگفتار و خاتمه اکبرنامه (نک: همین منابع)؛ مجتبائی، فتح‌الله، «اکبرنامه»، دبا، ج ۹؛ منزوی، فهرستواره؛ نیز:

Blochman, M., *Bibliography The Ain-i-Akbari*, New Delhi 1988; Beveidge, H., *The Akbar Nama*, Delhi 1977; Eaton. R. M, "Akbar-Nama", *Iranica*, vol: I; Marshall; Rieu; Storey.

هدی سیدحسین‌زاده